



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مقاله کاری شماره (۱۶) / آذر ۱۳۹۲

مدیریت ثروت اسلامی (Islamic Wealth Management)

رسول خوانساری^۱، رضا یارمحمدی^۲

کلمات کلیدی: مالی اسلامی، مدیریت ثروت اسلامی، فرایند مدیریت ثروت

طبقه‌بندی JEL: E21, P36, D31, O16, G20.

۱. کارشناس ارشد پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته مدیریت مالی، دانشگاه تهران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت مالی دانشگاه امام صادق علیه السلام.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، روبروی پارکینگ بیهقی، پلاک ۱۰

کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

www.mbri.ac.ir

▪ دیدگاه و نظرات ارائه شده در این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و لزوماً نظر پژوهشکده پولی و بانکی را منعکس نمی‌کند.

▪ کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی می‌باشد، لیکن استفاده از نتایج این مقاله با ذکر منبع بلامانع است.



فهرست مطالب

۴	۱- مقدمه
۶	۲- مفهوم ثروت در اسلام
۷	۳- دیدگاه اسلام درباره ثروت
۱۱	۴- اهمیت مدیریت ثروت در اسلام
۱۳	۵- فرایند مدیریت ثروت اسلامی
۲۱	۶- صنعت مدیریت ثروت اسلامی
۲۵	۷- محصولات و خدمات مدیریت ثروت اسلامی
۳۰	۹- مدیریت ثروت اسلامی و بانکداری اختصاصی
۳۳	۱۰- فرصت‌ها و چالش‌های مدیریت ثروت اسلامی
۳۴	۱۱- چشم‌انداز مدیریت ثروت اسلامی
۳۷	۱۲- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۹	منابع و مأخذ



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مدیریت ثروت اسلامی

تدوین: رسول خوانساری^۱، رضا یارمحمدی^۲

۱- مقدمه

ثروت یا اموال نقش مهمی در زندگی انسان ایفا می‌کند و به اشکال مختلفی وجود دارد؛ از جمله وجه نقد، طلا، زمین، مسکن، خودرو، اوراق بهادار و غیره. دستیابی به ثروت مستلزم تلاش و کوشش است، هرچند که گاهی اوقات از راه‌های ساده‌ای همچون ارث یا هدیه نیز ثروت به دست می‌آید. مدیریت مطلوب ثروت از مسائل مهم در اسلام است که به آن توجه ویژه‌ای شده است. هر چند که انسان صاحب مطلق ثروت در این جهان نیست ولی وظیفه یا مسئولیت مدیریت آن به بهترین شکل ممکن بر عهده او است. ثروت به انسان «امانت» سپرده شده است و او مسئول مدیریت آن بر اساس قوانین اسلام است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «انسان، در روز قیامت، قدم از قدم بر نمی‌دارد، مگر آن که از چهار چیز از او پرسیده می‌شود؛ از عمرش که چگونه گذرانده، از جوانی‌اش که چگونه سپری کرده، از ثروتش که از کجا به دست آورده و چگونه خرج کرده است و از دوستی ما اهل بیت» (خصال، ص ۲۵۳، ح ۱۲۵).

۱. کارشناس ارشد پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته مدیریت مالی، دانشگاه تهران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت مالی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.



با مدیریت مطلوب ثروت بر اساس احکام شریعت، علاوه بر منافع مادی می‌توان در جست‌وجوی پاداش‌های اخروی نیز بود. در اسلام ثروت به خودی خود هدف قرار نمی‌گیرد، بلکه ابزاری برای دستیابی به ارزش‌های بالاتر است. این بدان معنی است که اگر پول از راه صحیحی به دست آید و سرمایه‌گذاری و مصرف شود، موجب پاداش و «برکت» نه تنها برای خود شخص بلکه برای خانواده وی و جامعه خواهد شد (معصوم بالله، ۲۰۰۶).

یک عامل اقتصادی در اسلام می‌آموزد که حیات زاده همین جهان است و او باید خودش و ثروتش را در راستای دستورات الهی اداره کند. جانشین خدا روی زمین بودن یک فرصت برای فعالیت و هدایت امور خود برای بهبود زندگی خود و اطرافیان محسوب می‌شود. از این رو انسان نه تنها منافع مادی و معنوی خود، بلکه منافع دیگران و جامعه اسلامی را نیز باید در چارچوب حدود الهی مد نظر قرار دهد. فرایند مدیریت ثروت در اسلام شامل کسب، انباشت، حفظ و توزیع ثروت است و امور مختلفی از قبیل مدیریت وجوه نقد و پس‌انداز، مدیریت زکات، ارث، وصیت‌نامه، برنامه‌ریزی املاک و مستغلات، مدیریت مالیات و عوارض دولتی و معاملات کسب و کار را در بر می‌گیرد. در سال‌های اخیر صنعت مدیریت ثروت اسلامی رشد چشمگیری داشته است و هم از جهت عرضه خدمات و محصولات گوناگون مطابق با شریعت و هم از جهت تقاضای مشتریان ثروتمند برای مدیریت دارایی‌های خود، بسیار گسترش یافته است. در این مقاله، ضمن تبیین اهمیت ثروت و مدیریت آن در اسلام، به بررسی فرایند مدیریت ثروت و اجزای آن در نگاه اسلامی خواهیم پرداخت و با نگاهی به صنعت مدیریت ثروت اسلامی، سیر تکامل این صنعت و چشم‌انداز آتی آن را بررسی خواهیم کرد.



۲- مفهوم ثروت در اسلام

در اسلام ثروت به عنوان «مال» تعبیر شده است. مال در لغت به معنای تمامی چیزهایی است که انسان مالک آن می‌شود (لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۳، ص ۲۲۳). تفاوتی که زبان‌شناسان میان مال و ملک، قایل هستند، تفاوت جزئی و لطیفی است؛ زیرا در کاربردهای عربی، هرگاه ملک به کار می‌رود، مقصود تحت تسلط قرار گرفتن چیزی است، ولی وقتی مال به کار می‌رود، ناظر به ارزشمندی چیزی است. به همین دلیل انسان نسبت به نفس خویش مالکیت دارد، ولی به نفس انسان، مال گفته نمی‌شود؛ این درحالی است که برخی از چیزها مالیت دارند، ولی مالکی برای آن نیست. بر اساس همین ارزش است که در قرآن به چیزی که موضوع داد و ستد، هبه، انفال، تصرف، شرکت و مانند آن قرار می‌گیرد، مال گفته می‌شود (مصطفوی، ج ۱۱، ص ۲۱۶).

تنها در صورتی چیزی به عنوان ثروت یا مال شناخته می‌شود که شما آن را نزد خود ذخیره کرده باشید و یا صاحب آن باشید، و یا آن چیز را در جای امنی قرار داده باشید. برای مثال، پرندگان در آسمان، مواد زیر زمین، و ماهی در رودخانه به عنوان ثروت در نگرش اسلامی شناخته نمی‌شوند. این دیدگاه با دیدگاه نظری متعارف تفاوت دارد. در این دیدگاه ثروت اعم از آن چیزی است که حتی شکل ذخیره، ایمنی یافتن و در تملک شما بودن به خود نگرفته باشد. در دیدگاه متعارف ثروت کاملاً توسط انسان حاصل می‌شود و او می‌تواند از ثروت در هر راهی که احساس می‌کند می‌تواند آن را به کار گیرد استفاده نماید. در این دیدگاه، ثروت تنها برای رسیدن به اهداف مادی در این جهان استفاده می‌شود و به آخرت توجه نمی‌شود. این نحوه تفکر کاملاً با دیدگاه اسلامی مغایرت دارد. در دیدگاه اسلامی، ثروت در همه اشکال آن توسط خداوند متعال به عنوان «امانت» به انسان داده شده است. بنابراین انسان وظیفه دارد که از ثروت بر



اساس دستورات الهی و احکام شریعت استفاده کند (معصوم بالله، ۲۰۰۶). خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید»^۱ (سوره نور، آیه ۳۳).

۳- دیدگاه اسلام درباره ثروت

در نگاه اسلام، مال و ثروت، فضل الهی است (سوره بقره، آیه ۱۹۸؛ سوره مائده، آیه ۲؛ توبه آیه ۷۶). امام صادق (ع) می‌فرماید: «خیری نیست در کسی که دوست ندارد جمع مال را از راه حلال تا به وسیله آن آبرویش را حفظ کند و قرضش را بپردازد و صله رحم انجام دهد»^۲ (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۴). همچنین امام سجاد (ع) می‌فرماید: «کمال جوانمردی به این است که انسان مال خویش را به جریان اندازد [و سودآور کند]»^۳ (کافی، ج ۱، ص ۲۰، ح ۱۲).

هرچند مال و ثروت بدون توجه به نسبت‌ها و ارتباط آن با انسان، همانند دیگر آفریده‌های الهی در جایگاه ارزشی قرار دارد؛ ولی این بدان معنا نیست که در ارتباط با انسان نیز به طور مطلق یک ارزش باشد. در قرآن از مال و فرزند به عنوان زینت‌های زندگی دنیوی یاد شده است (سوره کهف، آیه ۴۶)، ولی این بدان معنا نیست که به عنوان یک ارزش باید مقصد و مقصود آدمی قرارگیرد. به عبارت دیگر، هرچند که خداوند از مال و ثروت به عنوان خیر یاد کرده (سوره بقره، آیات ۱۸۰، ۲۱۵، ۲۷۲ و ۲۷۳؛ سوره کهف،

۱. وَأَنْوَهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ

۲. لِأَخِيْرٍ فِيمَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ يَكْفُ بِهٖ وَجْهَةٌ وَ يَقْضِيْ بِهٖ دِيْنََهٗ وَ يَصِلُ بِهٖ رَحِمَهٗ

۳. اسْتِثْمَارُ الْمَالِ تَمَامُ الْمُرُوَّةِ



آیه ۹۵؛ سوره حج آیه ۱۱؛ سوره قصص، آیه ۲۴؛ سوره عادیات، آیه ۸)، که بیانگر ارزشمند بودن آن است، ولی باید توجه داشت که واژه خیر در کاربردهای قرآنی، به مال و ثروتی گفته می‌شود که در جایگاه مناسب و برای مقصود اصلی آفرینش و تکامل انسان و جامعه انسانی، به کار گرفته شده باشد. بنابراین قرآن هر نعمتی را خیر نمی‌داند، بلکه با توجه به بهره‌برداری درست و مناسب آن است که به نعمتی خیر گفته می‌شود. از این رو خداوند، مال را به تنهایی دارای ارزش نمی‌داند (سوره آل عمران، آیه ۱۱۶) و آن را ملاک و معیاری برای ارزش‌گذاری نمی‌شناسد.

در نگرش قرآنی و نظام ارزشی آن، زمانی مال و ثروت ارزش می‌یابد که زاویه دید انسان به مال، از منظر الهی باشد. از این رو خداوند، هرگونه برخورداری از مال و ثروت بدون ایمان به خدا و آیات الهی و اهداف هستی را چیزی بی‌ارزش در نظام ارزشی قرآن معرفی می‌کند (سوره مدثر، آیات ۱۱ تا ۱۷). به سخن دیگر، نسبت انسان به مال و ثروت، زمانی ارزشی می‌شود که مال با توجه به اهداف الهی هستی و آفرینش مورد توجه قرار گیرد.

خداوند به اشکال گوناگون به ارزیابی انتقادی مال و ثروت از نگاه کافران و دنیاپرستان می‌پردازد. در برخی آیات به نگرش ارزشی کافران به مال توجه می‌دهد و اهمیت و ارزش آن را نقد می‌کند (سوره هود، آیه ۱۲) و در برخی آیات نیز نشان می‌دهد که چگونه مال و ثروت از دیدگاه دنیاگرایان مشرک به یک ارزش و حتی ملاک و معیار ارزش‌گذاری انسان تبدیل شده است و آنان افزایش مال و ثروت را نشانه محبوبیت بیشتر انسان در نزد خداوند ارزیابی می‌کنند، در حالی که نگرش قرآن هرگز اینگونه نیست (سوره کهف، آیات ۳۴، ۳۶ و ۴۲). بلکه ملاک ارزش‌گذاری و محبوبیت در نزد خداوند را تقوا و اموری دیگر برمی‌شمارد و راه دستیابی به گرامی شدن در نزد خداوند را اموری مانند گرامی داشتن یتیمان و نه برخورداری صرف از مال و ثروت می‌داند و در همین آیات حتی مردم را تشویق می‌کند که از ثروت و مال



خویش در راه خداوند به مساکین و یتیمان انفاق کنند تا محبوب خداوند شوند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هیچ گاه ثروت مردی زیاد نشد، مگر این که حجت خداوند متعال بر او بزرگ شد. پس اگر می‌توانید این حجت را از خود دور کنید، این کار را بکنید. عرض شد: با چه چیزی؟ فرمودند: با برآوردن نیازهای برادران خود از اموالتان»^۱ (امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۰۹).

قوانین اسلام، مبنایی را فراهم می‌کند که بر اساس آن، رهنمودها و دستورالعمل‌هایی برای انجام امور و اجرای تعهدات مشخص می‌گردند. با وجود قوانین محکم در زمینه مدیریت ثروت و استفاده از آن، قرآن کریم به گونه‌ای نیست که بین ثروت و نتایج حاصل از آن، چگونگی بینش انسان به ثروت و دیدگاه او نسبت به آن جدایی انداخته و این امور را نادیده بگیرد و از این رو در آیات مختلف بدین مقوله پرداخته است.

در برخی آیات قرآن خداوند متعال نتایج افزایش بی‌رویه ثروت انسان را نشان می‌دهد. این آیات هشدار برای آنهایی محسوب می‌شود که به دنبال ثروتی فراتر از حد معمول هستند. از جمله می‌فرماید: «و اگر خدا روزی را برای بندگانش وسعت می‌داد، مسلماً در زمین سر به عصیان برمی‌داشتند، ولیکن به اندازه‌ای که می‌خواهد نازل می‌کند. به راستی او به بندگانش آگاه و بیناست»^۲ (سوره شوری، آیه ۲۷). در حالی که خداوند متعال تمام چیزهای روی زمین را برای استفاده انسان به عنوان جانشین خود قرار داده است، ولی در عین حال او بخشش نعمت‌های خود را برای برخی افراد بیشتر در نظر گرفته است و این مسئله آزمایشی از جانب خدای متعال محسوب می‌شود.

۱. ما کَثُرَ مَالُ رَجُلٍ قَطُّ إِلَّا غَظَمَتِ الْحُجَّةَ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ ، فَإِنْ قَدَرْتُمْ أَنْ تَدْفَعُوهَا عَنْ أَنْفُسِكُمْ فَاذْعَبُوا ، فَقِيلَ : بَمَاذَا ؟ قَالَ : بِقَضَاءِ حَوَائِجِ إِخْوَانِكُمْ مِنْ أَمْوَالِكُمْ

۲. وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ



در اسلام به رعایت اعتدال در مخارج توصیه شده است و افراط، اسراف و زیاده‌روی محکوم شده است. قرآن کریم انجام دادن این اعمال را از ناحیه شیطان می‌داند (سوره اسراء، آیه ۲۷؛ سوره اعراف، آیه ۳۱). به علاوه با وجود آنکه در اسلام به بخشندگی و سخاوت بسیار توصیه شده است، ولی انسان را از فرومایگی و بخل ورزیدن بر حذر می‌دارد (سوره اسراء، آیه ۲۹؛ سوره فرقان، آیه ۶۷؛ سوره نساء، آیات ۳۶ و ۳۷).

در نگاه قرآن ثروت به عنوان امانت نزد انسان سپرده شده است: «و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان طور که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جست‌وجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد»^۱ (سوره قصص، آیه ۷۷). می‌توان موارد ذیل را از این آیه برداشت نمود:

- ۱- ثروت توسط خدا به انسان سپرده شده است.
- ۲- مدیریت این ثروت باید در جهت جلب رضای الهی باشد.
- ۳- ثروت نباید در موارد سوء به کار برده شود و باید مطابق با احکام الهی استفاده گردد.
- ۴- خداوند متعال صاحب اصلی ثروت است؛ همان طور که خدای متعال به انسان خوبی می‌رساند از انسان نیز می‌خواهد که ثروت را در جهت خوبی برای دیگر افراد قرار دهد و از به کار بردن ثروت در جایی که به دیگران ضرر می‌رساند، خودداری کند.

۱. وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ



با توجه به موارد فوق، شاهد تفاوتی اساسی میان دیدگاه اسلامی و دیدگاه سرمایه‌داری و سوسیالیستی هستیم. در حالی که سرمایه‌داری، حق مطلق و بدون قید و شرط برای مالکیت خصوصی قائل است و سوسیالیسم به صورت مطلق حق مالکیت خصوصی را انکار می‌کند ولی اسلام با اجازه دادن به حق مالکیت خصوصی در عین نگرش امانت داشتن به آن، دیدگاه متعادلی را مطرح می‌کند (معصوم بالله، ۲۰۰۶).

۴- اهمیت مدیریت ثروت در اسلام

اهمیت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع و دارایی‌ها به خوبی در تاریخ بشری به ثبت رسیده است. از موارد جالب و آموزنده درباره برنامه‌ریزی، داستان حضرت یوسف (علیه‌السلام) در قرآن کریم است که طبق آن یوسف (علیه‌السلام) با تدوین یک برنامه عملی و اجرای آن، جامعه مصر را از دوران قحطی نجات داد. به این روش برنامه‌ریزی در زبان عربی «تدبیر امر» گفته می‌شود که به معنی مرتبط کردن کار با نتیجه آن است. به عبارت دیگر لازم است هر فرد فعالیت کند، برنامه‌ریزی نمایند و منابع را عاقلانه مصرف کند، زیرا به تعبیر قرآن «هیچ کس نمی‌داند که فردا چه چیز به دست می‌آورد»^۱ (سوره لقمان، آیه ۳۴).

ثروت امانتی از جانب خداست که باید به خوبی مدیریت شود. فرد مسلمان برای برتری و قدرت جذب ثروت نمی‌شود، بلکه از ثروت به عنوان ابزاری برای رسیدن به یک هدف والاتر استفاده می‌کند. خدا در قرآن هدف از پرستش جن و انس را عبادت و پرستش پروردگار معرفی می‌کند (سوره ذاریات، آیه ۵۶). هرگونه رفتار و عمل فردی در اسلام به عنوان عبادت محسوب می‌شود و از این رو باید نمایانگر تسلیم در

۱. وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

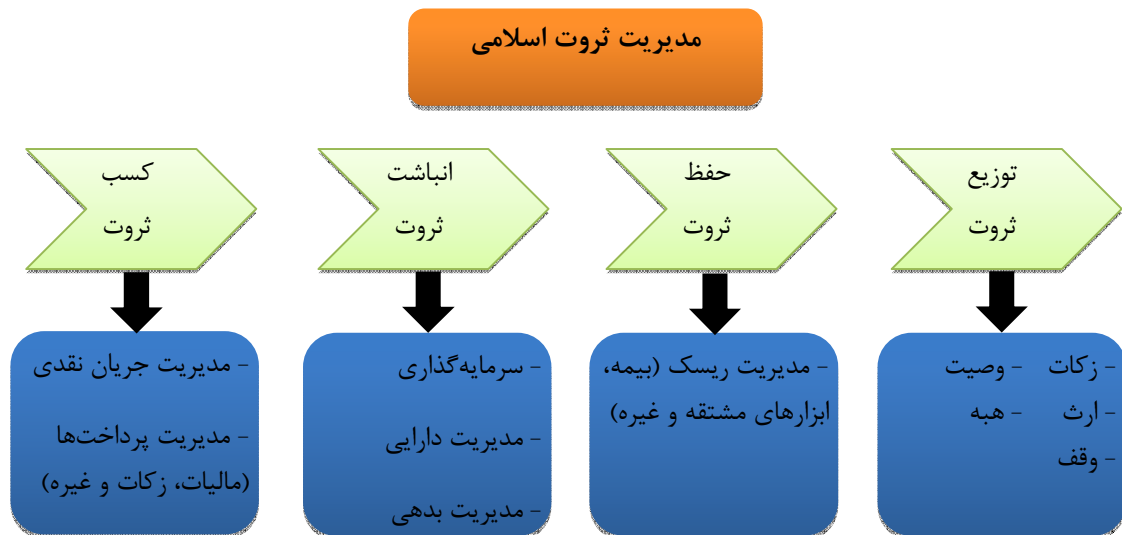
برابر خدا باشد. از این رو مدیریت ثروت یک مسلمان نیز باید با هدف عبادت پروردگار و تقرب به درگاه الهی انجام شود.

فرد مسلمان نسبت به تأمین رفاه خانواده خود مسئولیت دارد. از این رو نه تنها مسئول ثروت خود در زمان حیات است، بلکه باید برای دوران پس از مرگ خود نیز برنامه‌ریزی داشته باشد، تا خانواده و نزدیکان وی دچار مشکل نشوند. متأسفانه شمار زیادی از افراد به دلیل عدم آشنایی کافی با ابزارهای برنامه‌ریزی دارایی از قبیل وصیت‌نامه، موجب بروز اختلال در زندگی نزدیکان خود می‌شوند. از این رو فرد مسلمان باید با در نظر گرفتن هدف متعالی عبودیت خداوند، برای کلیه مراحل زندگی و نیز پس از مرگ، برنامه‌ریزی و تدبیر لازم را در رابطه با خود و خانواده انجام دهد.



۵- فرایند مدیریت ثروت اسلامی

مدیریت ثروت تنها به معنی انباشت ثروت نیست، بلکه تعریف گسترده‌تری دارد و در واقع مدیریت ثروت فرایندی است که شامل کسب، انباشت، حفظ و توزیع ثروت می‌باشد (شکل ۱). مفهوم واقعی مدیریت ثروت برای سرمایه‌گذاران اسلامی مهم است، زیرا آنها خواهان دارایی‌های مطمئن و ثروت نقدشونده، نه تنها برای خود که برای خانواده‌شان هستند.



شکل ۱- فرایند مدیریت ثروت اسلامی (منبع: ریاضت و جان، ۲۰۱۰ ب)

۵-۱- کسب و انباشت ثروت

ثروتی که انسان به دست می‌آورد از راه‌های مختلف مانند ارث، دستمزد، خرید و فروش، سرمایه‌گذاری و غیره حاصل می‌گردد. به دست آوردن ثروت معمولاً مستلزم تلاش و کوشش است، مگر در برخی موارد مانند ارث و هدیه که ثروت آسان به دست می‌آید. بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تفاوت وجود دارد. پس‌انداز



به معنی کنار گذاشتن بخشی از درآمد برای رفع نیازهای آینده است. هدف اصلی پس‌انداز، حفظ سرمایه برای نیازهای احتمالی و یا انجام یک طرح است. سرمایه‌گذاری شامل پذیرش ریسک بر روی مقدار مشخصی از وجوه با هدف کسب سود یا به دست آوردن بازده می‌باشد. بنابراین از طریق سرمایه‌گذاری می‌توان ثروت موجود را بیشتر کرد (بانک ساراسین، ۲۰۱۱). همچنین یکی از راه‌های کسب ثروت در اسلام، تجارت است که در آن، کالاها و خدمات از شخصی به شخص دیگر برای برآورده کردن خواسته‌های مختلف افراد انتقال یابد. علاوه بر این، موجب حداقل ساختن ثروت اضافی که در دست تعداد محدودی از افراد است نیز می‌شود (سوره حشر، آیه ۷).

کسب ثروت مستلزم مدیریت مطلوب جریان‌های نقدی و خروجی و نیز اداره مناسب پرداخت‌های گوناگون از قبیل مالیات است. در این مرحله ثروت موجود را مشخص کرده و منابع مختلف درآمد کنونی و آینده با توجه به اهداف تعریف شده، مدیریت می‌شود. در انباشت ثروت نیز لازم است با هوشمندی فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور و مجاز شناسایی شوند و در چارچوب اصول شریعت، در آنها سرمایه‌گذاری شود. به علاوه باید با مدیریت بهینه دارایی‌ها و بدهی‌ها کنترل لازم بر منابع و مصارف صورت گیرد تا ثروت به نحو مطلوب زیاد شود. فرد مسلمان باید برای کسب و انباشت ثروت از اصول شریعت پیروی کند. مهم‌ترین اصل در کسب ثروت، به دست آوردن درآمد حلال است که در اسلام بسیار به آن سفارش شده است و آن را موجب برکت ثروت معرفی کرده‌اند. همچنین شخص مسلمان در کسب ثروت باید از امور ذیل دوری کند:

۱- اکل مال به باطل: در اسلام هر گونه فعالیت‌هایی که با اکل مال به باطل همراه باشد، جایز نیست (سوره بقره، آیه ۱۸۸). مواردی که در آنها موضوع معامله مالیت ندارد، موضوع معامله منفعت حلال ندارد، معامله با تزییع حقوق دیگران همراه است، معامله با فریب، تجاوز، تقلب، غش، دزدی، رشوه همراه است،



معامله از طریق تضعیف نظام اسلامی به دست می‌آید (اسماعیلی، ۱۳۷۳) و مانند آن را می‌توان از مصادیق باطل دانست.

۲- ربا: ربا در لغت به معنای مازاد، رشد یا افزایش است و در اصطلاح به مبلغ مازادی گفته می‌شود که قرض‌گیرنده به قرض‌دهنده به عنوان شرط وام یا برای به تعویق انداختن مهلت بازپرداخت بدهی می‌پردازد.^۱ حکم تحریم ربا و مستند بودن آن به قرآن، سنت، اجماع و اتفاق مسلمانان به قدری واضح است که جای هیچ بحث و گفتگویی باقی نمی‌ماند. به طوری که در طول تاریخ اسلام هیچ کس در آن تردید نکرده است (موسویان، ۱۳۹۱). اسلام با شدت تمام از ربا نهی کرده، آن را از گناهان کبیره شمرده و مرتکب آن را نه تنها به عقاب دردناک اخروی بیم داده، به مبارزه دنیوی نیز تهدید کرده است (سوره بقره، آیه ۲۷۹).

۳- قمار: قمار در شریعت معنای جدیدی ندارد و تابع معنای عرفی است. حرمت قمار در شریعت اسلام و بلکه در تمام شرایع از مسلمانی شمرده شده است (موسویان، ۱۳۹۱). با اینکه قمار در جوامع غربی یک امر طبیعی و عادی قلمداد می‌شود، ولی در دین اسلام به عنوان فعالیتی ضد ارزشی شناخته می‌شود. در قرآن کریم، قمار جزو گناهان بزرگ شمرده شده است (سوره بقره، آیه ۲۱۹).

۴- غرر: غرر اسم مصدر به معنای «خطر» است. بنابراین معانی دیگری که برای غرر ذکر شده یا از اسباب و مناشیء خطر هستند مانند «خدعه»، «غفلت» و «جهالت»، یا بیان دیگر از معنای خطر هستند مانند «آنچه انسان از ضرر آن ایمن نیست» و «آنچه انسان را در معرض هلاکت قرار می‌دهد» و یا بیان

۱. این تعریف مربوط به ربای قرضی است. در مقابل ربای قرضی ربای معاوضی وجود دارد که مقصود از آن هرگونه زیادی در معامله دو شیء هم‌جنس و یا معامله‌ای که مشتمل بر زیادی یکی از عوضین باشد، با فرض تحقق شرایط خاص می‌باشد.



مصدق شیء خطری هستند مانند «آنچه ظاهری فریبنده و باطنی مجهول دارد» (موسویان، ۱۳۹۱). هرچند گاهی اوقات واژه‌هایی مانند «تدلیس»، «قمار» و «ریسک» به جای غرر به کار می‌روند، ولی معانی و مفاهیم این واژه‌ها هم‌پوشانی کامل با معنای غرر ندارد و حتی در برخی موارد تفاوت ماهوی با غرر دارند. در ادبیات حرفه‌ای غرر اشاره دارد به قرار گرفتن در معرض ریسک عدم اطمینان بیش از حد و یا عدم اطمینان در یک معامله تجاری مانند عدم تعیین کیفیت کالای خریداری شده و یا عدم تعیین تاریخ تحویل.

ثروت از هر طریقی اعم از تجارت، کار و یا انتقال (مانند ارث) به دست آید، پس از آن هدف حفظ ثروت برای نیازهای آینده و نسل‌های بعدی می‌باشد (بانک ساراسین، ۲۰۱۱).

۵-۲- حفظ ثروت

محدودیت‌های سرمایه‌گذاری تعیین شده در اسلام را می‌توان به عنوان اقدامات حمایتی برای جامعه و سرمایه‌گذاری بلندمدت در نظر گرفت، زیرا فعالیت‌های زیان‌آور و امور تجاری ناسالم را حذف می‌کنند. حفظ ثروت از راهبردهای سرمایه‌گذاری محتاطانه مانند متنوع‌سازی از طریق نظریه نوین پرتفوی^۱ و تحلیل ریسک- بازده فراتر رفته و در دایره‌ای گسترده‌تر به دنبال فرصت‌های مناسب در بازار به شیوه مطلوب می‌باشد.

حفظ ثروت نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی جریان نقدی، برنامه‌ریزی مالیاتی، برنامه‌ریزی تأمین خانواده، برنامه‌ریزی درآمد از کارافتادگی و نیز برنامه‌ریزی جانشینی برای کسب و کار خانوادگی است. به

1. Modern Portfolio Theory



علاوه، انواع ریسک در زندگی و راهبردهای تدوین شده برای برخورد با آنها باید مشخص شوند. در ادبیات مالی، ریسک معمولاً به صورت عدم اطمینان بازده تعریف می شود. ولی این تعریف تنها وقتی درست است که ما درباره ریسک سرمایه‌گذاری و کسب ثروت صحبت می‌کنیم. این دیدگاه، محدود است و باید ریسک را در معنای گسترده‌تری ببینیم. می‌توان ریسک را به دو دسته تقسیم کرد: مطلق و نسبی. ریسک مطلق، دسته‌ای از ریسک است که در آن زیان، تنها پیامد محتمل است و هیچ نتیجه مطلوب دیگری وجود ندارد. نمونه این نوع ریسک، آتش‌سوزی، سیل و از دست دادن سرپرست خانواده در اثر مرگ یا مریضی یا تصادف است. در ریسک مطلق، وسعت زیان محتمل، نامعلوم است. ریسک نسبی، ریسکی است که سه پیامد احتمالی دارد: زیان، سود یا سربه‌سر شدن. در اسلام، مدیریت ریسک و برنامه‌ریزی احتیاطی با ریسک مطلق (خالص) سروکار دارد.

لزوم مدیریت ریسک از منظر اسلام را شاید بتوان در این روایت یافت: «روزی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دیدند که عربی بادیه‌نشین بدون بستن شتر آنرا رها کرد. پیامبر از او پرسید که چرا حیوان را نمی‌بندی؟ بادیه‌نشین پاسخ داد که من به خداوند اعتماد کردم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ابتدا حیوان را ببند و سپس به خدا اعتماد کن» (ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۲۱). بنابراین فرد مسلمان همواره به رعایت احتیاط و مدیریت ریسک‌های پیش رو به ویژه ریسک‌هایی که ثروت او را تهدید می‌کند، تشویق شده است (ساراسین، ۲۰۱۱).

از جمله راهکارهای مدیریت ریسک، بیمه یا تکافل است، سازوکاری که شخص را در برابر ریسک‌های مطلق که ممکن است موقعیت ثروت به دست آمده را تهدید کند یا به طور ساده‌تر ریسک‌هایی که یک نفر به تنهایی از عهده آنها برنمی‌آید، حمایت می‌کند. همچنین ابزارهای مشتقه از جمله نوآوری‌های مالی هستند که از آنها در پوشش ریسک قراردادها و معاملات استفاده می‌شود.



۵-۳- توزیع ثروت

هدف از مدیریت ثروت اسلامی تنها انباشت و حفظ ثروت نیست، بلکه توزیع آن به نحو مطلوب چه در زمان حیات و چه پس از آن است. بنابراین فرد مسلمان باید با دوراندیشی و تدبیر برای توزیع ثروت خود در زمان حیات و پس از آن، برنامه‌ریزی کند.

یکی از سازوکارهای توزیع ثروت در جامعه اسلامی، پرداخت زکات است. زکات به عنوان یک صدقه واجب، یکی از ارکان اساسی در اسلام و جزو فروع دین است (سوره بقره، آیه ۴۳). زکات بر اساس انواع خاصی از ثروت (اموال)، نرخ‌های پرداخت معین و شرایط خاص بنا شده و منافع آن نیز برای گروه خاصی از دریافت‌کنندگان می‌باشد. از این رو یک مسلمان نمی‌تواند زکات را به صورت تصادفی پرداخت کند. به علاوه آنچه به عنوان زکات پرداخت می‌شود باید از درآمد و ثروتی باشد که از راه حلال به دست آمده است (سوره بقره، آیه ۲۶۷؛ سوره توبه، آیه ۱۰۳؛ سوره سبأ، آیه ۳۹).

بنابراین کسب درآمد حلال، نقطه آغاز است. پس از آن، فرد برای پاک کردن ثروتش باید صدقه بدهد. همان‌طور که برای حفظ سلامتی بدن، ضدعفونی کردن و یا نظافت انجام می‌شود، ثروت نیز باید از طریق زکات و یا سایر صدقات پاک شود، زیرا ممکن است به صورت سهوی از منابع شبهه‌ناک به دست آمده باشد.

علاوه بر زکات، صدقه‌های دیگری نیز در اسلام مورد تشویق واقع شده‌اند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: «وقتی آدمی بمیرد، پرونده عمل وی بسته می‌شود، مگر در سه مورد: صدقه جاریه، علمی که از آن نفع برده شود و فرزند صالحی که برایش دعا کند» (بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲). از جمله موارد مصرف صدقات و خیرات کمک به کاهش فقر، بهبود آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی، حمایت از هنر و ادبیات و نیز تقویت پژوهش و پیشرفت علمی است.



در اسلام، بخشش، نه تنها به صورت یک وظیفه دینی بلکه یک عمل متداول است. بخشش می‌تواند به نزدیکان و بستگان در قالب هدیه (هبه) باشد که خود موجب افزایش محبت می‌گردد؛ یا به نیازمندان و فقرا در قالب صدقات و خیرات صورت گیرد. همچنین برای تداوم عمل بخشش و ایجاد درآمد بلندمدت پس از آن، در اسلام سازوکار وقف در نظر گرفته شده است. وقف از جمله اموری است که هم در راستای مدیریت ثروت و هم در راستای فعالیت بشردوستانه توزیع ثروت قرار دارد (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ ب). بشردوستی یکی از مشخصات اصلی مدیریت ثروت اسلامی است و برای دستیابی به اهداف بشردوستی به صورت اثربخش در این زمینه نیز باید برنامه‌ریزی مناسبی انجام شود (بانک ساراسین، ۲۰۱۱).

در اسلام سفارش زیادی درباره وصیت‌نامه شده است. از طریق وصیت، فرد می‌تواند سهم ثابتی را برای وارثان و سهمی تبعی را برای گروهی دیگر در نظر بگیرد، و بدین ترتیب خویشاوندان خود را برای دریافت ارث اولویت‌بندی کند. دلایل زیادی وجود دارند که بیانگر اهمیت و لزوم برنامه‌ریزی اموال برای پس از مرگ هستند. برخی از آنها عبارتند از:

۱- این کار یک الزام دینی است؛ در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «جایز نیست مسلمان دو شب بخوابد در حالی که وصیت نکرده باشد» (صحیح بخاری، جلد ۴، کتاب ۵۱، شماره ۱).

۲- داشتن برنامه‌ای برای حفظ زندگی افراد تحت تکفل مانند اطفال یا والدین سالخورده؛ لازم است یک مسلمان برنامه‌ای برای تأمین منافع افراد تحت تکفل و ترک این جهان با آرامش داشته باشد.

۳- بسیاری افراد این واقعیت را نادیده می‌گیرند که انجام مسائل اداری پیش از توزیع اموال متوفی به زمان طولانی نیاز دارد. این امر به ویژه زمانی اهمیت دارد که افراد تحت تکفل به مدت طولانی از



حمایت کافی برخوردار نباشند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، فرمودند: «اگر وارثان خود را بی‌نیاز واگذاری بهتر از آن است که فقیر و محتاج مردم باشند» (نهج‌الفصاحه، ح ۱۲۶۹).

برنامه‌ریزی اموال برای بعد از مرگ، دارای دو ابزار عمده است:

۱- هدیه‌ای برگشت‌ناپذیر در طول زمان حیات. این کار می‌تواند در قالب شخصی یا به شکل وقف

(عام یا خاص) انجام شود.

۲- وصیت‌نامه برای اعطای حداکثر یک‌سوم از ماترک به شخص یا مؤسسه خاص.

یک مسلمان در زمان حیات خود، می‌تواند ضمن در نظر گرفتن اصول شریعت، ثروتش را به یک مؤسسه خیریه و یا به دیگران، از جمله اعضای خانواده، ببخشد. با این حال با فرا رسیدن مرگ، توزیع اموال از طرف مالک اصلی یعنی خداوند، مطابق با قوانین ارث انجام می‌گیرد. فرد اجازه دارد تا یک‌سوم از اموال خود را به خیریه واگذار کند. بنابراین بخشی از اموال که به وسیله وصیت‌نامه واگذار می‌شود، نباید بیش از یک سوم باشد. دارایی‌های باقی‌مانده طبق ضوابط بین ورثه تقسیم می‌شود و نمی‌توان بر خلاف ضوابط وصیت کرد.

گرچه سهم ورثه ثابت است، ولی لازم است هر مسلمان وصیت‌نامه داشته باشد و امور دنیوی خود را با نظم مناسبی ترک کند. در وصیت‌نامه نسبت به یک‌سوم اموال برای توزیع بین مؤسسات خیریه و افرادی که برای آنها ارث مقرر نشده است، وصیت صورت می‌گیرد؛ مانند نوه فرزندان (والدین نسبت به نوادگان در دریافت ارث اولیت دارند، مگر این که پدر و مادر در قید حیات نباشند) و دوستان. علاوه بر این، در کشورهایی که قوانین ارث مبتنی بر شریعت وجود ندارد، وصیت کردن ضروری است تا اینکه توزیع اموال به ورثه بر اساس دستورات شریعت صورت گیرد (بانک ساراسین، ۲۰۱۱).



۶- صنعت مدیریت ثروت اسلامی

در اوایل راه‌اندازی بانکداری اسلامی در دهه ۱۹۸۰ میلادی، در مورد اینکه آیا اوراق قرضه بدون کوپن دولتی و شرکتی منطبق با موازین شرعی هستند یا خیر، بحث‌های زیادی وجود داشت. می‌توان گفت در آن زمان تقریباً هیچ کس درک درستی از مسائل اساسی بانکداری اسلامی نداشت. ولی از آن زمان تاکنون این صنعت رشد بسیاری کرده است و به ویژه از سال ۲۰۰۲ و همزمان با تحول در بخش بانکداری خاورمیانه بسیار گسترش یافته است. همان‌طور که بانک‌های متعارف در جهان عرب، در حال به‌روزرسانی و ارتقای سیستم‌ها و روش‌های خود بودند، بانکداری اسلامی نیز این مسیر را می‌پیمود. به علاوه برخی از چهره‌های کلیدی در جهت کمک به استانداردسازی و شکوفایی تفکرات درباره قوانین و اصول اساسی بانکداری اسلامی نقش‌آفرینی کردند. آنها تمرکز خود را بر روی طراحی محصولات و خدمات بانکی قرار دادند که هم با موازین شرعی و هم با استانداردهای بانکداری بین‌المللی سازگاری داشت (سندویک، ۲۰۰۹).

مدیریت ثروت شامل مدیریت وجوه و سایر خدمات مالی و حتی غیرمالی برای سازمان‌ها و افراد دارای ثروت خالص زیاد است. رعایت اصول شرعی در تمام این حوزه‌ها چالش‌برانگیز و معمولاً قابل حل می‌باشد (ویلسون، ۲۰۰۷). تاکنون فعالیت‌های خوبی در زمینه مدیریت ثروت اسلامی انجام شده است، ولی هنوز هم پتانسیل فراوانی برای رشد و ارتقای این صنعت وجود دارد (سندویک، ۲۰۰۹).

خاورمیانه، به عنوان یک منطقه ثروتمند با منابع نفتی فراوان، تعداد زیادی سرمایه‌گذار ثروتمند دارد که متقاضی خدمات مدیریت ثروت اسلامی هستند. از دهه ۱۹۷۰ میلادی، هنگامی که شرکت‌های نفتی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ملی شدند و قیمت نفت بالا رفت، تولید ناخالص داخلی منطقه و نیز دارایی‌های شخصی افزایش یافت. در واقع، صنعت مدیریت ثروت اسلامی یکی از سریع‌ترین



بخش‌های در حال رشد در خاورمیانه است. در سال‌های اخیر، افزایش ثروت در منطقه، و نیز افزایش تعداد و گستره طبقات دارایی موجب رشد گرایش به محصولات و خدمات مطابق با شریعت در میان جوامع مسلمان و حتی غیرمسلمان و در نتیجه رشد فزاینده صنعت مدیریت ثروت اسلامی شده است (کی‌اف‌اچ، ۲۰۱۲؛ ویلسون، ۲۰۰۷).

جالب است که حتی بانک‌های بین‌المللی، به ویژه اچ‌اس‌بی‌سی^۱، سیتی‌گروپ^۲، دویچ بانک^۳، یو‌بی‌اس^۴ و استاندارد چارترد^۵ نیز به دنبال این فرصت هستند که خدمات مدیریت ثروت خود را با نیازهای سرمایه‌گذاران اسلامی انطباق دهند (ویلسون، ۲۰۰۷). برخی از فعالان اروپایی همچون پیکت^۶ و بی‌ان‌پی پاریباس^۷ نیز از طریق دفاتر نمایندگی محلی و شرکای خود به بازار خاورمیانه ملحق شده‌اند (ماد، ۲۰۰۶). این بانک‌ها تیم‌های تخصصی ویژه‌ای را برای طراحی و عرضه محصولات در زمینه مدیریت ثروت اسلامی تشکیل داده‌اند (جعفر، ۲۰۰۴). حتی این بانک‌ها کمیته‌هایی از متخصصان فقهی را در خود تشکیل داده‌اند تا مشتریان از جهت رعایت موازین شرعی مطمئن باشند (ویلسون، ۲۰۰۷).

-
1. HSBC
 2. Citi Group
 3. Deutsche Bank
 4. UBS
 5. Standard Chartered
 6. Pictet
 7. BNP Paribas



در حال حاضر، سرمایه‌گذاران خاورمیانه در پی متنوع‌سازی جغرافیایی پرتفوی دارایی‌های خود هستند. این امر موجب پیدایش صندوق‌های اسلامی شده است که روی مناطق تازه رشد یافته و جذاب همچون آسیا و اقیانوسیه متمرکز شده‌اند. (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ ب).

بانک‌های اسلامی، شرکت‌های تکافل (بیمه‌های اسلامی)، بانک‌های سرمایه‌گذاری (شرکت‌های تأمین سرمایه) اسلامی و نیز صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی به عنوان یک واسطه برای انتقال وجوه مازاد در بازار مالی عمل می‌کنند. طبق گزارش مؤسسه بنکر درباره پانصد مؤسسه اسلامی برتر، بانک‌های اسلامی شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۱، ۴۲/۱ درصد از کل دارایی‌های بانک‌های اسلامی را در اختیار داشته‌اند. پس از آن، ایران و مالزی به ترتیب ۳۵/۷ درصد و ۱۲/۳ درصد دارایی‌های بانک‌های اسلامی را در اختیار داشتند. صنعت مالی اسلامی، تنها به کشورهای دارای اکثریت مسلمان همچون شورای همکاری خلیج فارس و مالزی محدود نمی‌شود، بلکه مناطقی چون اروپا و شرق آسیا را نیز در برمی‌گیرد. بسیاری از این مناطق در حال اجرای اصلاحات قانونی مناسب جهت تسهیل ارائه محصولات مالی اسلامی هستند. در حالی که ارائه‌دهندگان خدمات مالی اسلامی هم شامل مؤسسات داخلی و مؤسسات خارجی متعارف است، مشتریان نیز هم از افراد مسلمان و هم از افراد غیر مسلمان تشکیل می‌شوند (کی‌اف‌اچ، ۲۰۱).

محصولات و خدمات مالی اسلامی، پیوسته در حال گسترش است. در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۲، ۴۰ میلیارد دلار صکوک (اوراق بهادار اسلامی) در سراسر جهان منتشر شد که در مقایسه با دوره مشابه سال گذشته این رقم تقریباً دو برابر شده است. مجموع صکوک منتشر شده در نه ماهه اول سال ۲۰۱۲، به ۱۰۹ میلیارد دلار رسیده است که در مقایسه با دوره مشابه سال گذشته ۶۹ درصد افزایش نشان می‌دهد. با این حال، ارزش صکوک منتشر شده در سال ۲۰۱۲ در مقایسه با ۲/۹ تریلیون دلار اوراق قرضه بین‌المللی فروخته شده در سال ۲۰۱۲، با نسبت جمعیت مسلمانان در جهان تناسب ندارد. دارایی‌های



اسلامی با نرخ رشد متوسط سالانه ۱۵ تا ۲۰ درصد در طول دهه گذشته، در سال ۲۰۱۱ به حدود ۱/۳ تریلیون دلار رسیده است. مؤسسه استاندارد اند پورز پیش‌بینی کرده است که این صنعت در طول سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، هر سال به میزان ۲۰ درصد رشد خواهد کرد. حتی پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌تری نیز در این باره ارائه شده است. فرهاد ریاضت، سردبیر نشریه مالی اسلامی جهانی^۱ دو برابر شدن دارایی‌های این صنعت تا سال ۲۰۱۵، را یک تخمین محافظه‌کارانه می‌داند و حتی سه برابر شدن آنها را دور از انتظار نمی‌داند. حسین القمزی^۲، مدیر عامل بانک اسلامی نور، در دومین کنفرانس سالانه تأمین مالی و سرمایه‌گذاری اسلامی خاورمیانه، گفت: «صنعت جهانی مالی اسلامی می‌تواند ظرف پنج سال از رقم یک تریلیون دلار در حال حاضر، به حدود چهار تریلیون دلار برسد، زیرا بازارهای بکر همچون بازار آزاد چین و محصولات جدیدی که به دنبال خود تقاضا می‌آورند، پدیدار شده‌اند». بانک بین‌المللی استاندارد چارترد در گزارش ژوئن خود درباره چشم‌انداز صنعت مالی اسلامی اعلام کرده است: «در حال حاضر دارایی‌های بانکی منطبق با موازین شرعی دو برابر دارایی‌های بانکی متعارف رشد دارد که این مقدار تا پایان سال ۲۰۱۲، به ۱/۱ تریلیون دلار خواهد رسید. یعنی از سال ۲۰۱۰ تا این زمان بیش از ۳۳ درصد رشد دارد». (گروه کسب و کار و رسانه^۳، ۲۰۱۲).

1. Global Islamic Finance Magazine

2. Hussain Al Qemzi

3. http://www.globalislamicfinancemagazine.com/?com=news_list&nid=2667



۷- محصولات و خدمات مدیریت ثروت اسلامی

در صنعت مدیریت ثروت اسلامی، تقاضا و در نتیجه عرضه ابزارها و سازوکارهای مدیریت ثروت، رشد فزاینده‌ای دارد. با تکامل صنعت مالی اسلامی طبقات دارایی نیز تخصصی‌تر می‌شوند و سرمایه‌گذاران به دنبال متنوع‌سازی بیشتر در پرتفوی‌های خود هستند. انواع صکوک، صندوق‌های پوشش ریسک^۱ اسلامی، سرمایه‌گذاری سهام خصوصی^۲ اسلامی و سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز^۳ اسلامی، سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در مستغلات و صندوق‌های بورسی اسلامی^۴ به عنوان حوزه‌های جدیدتر در مدیریت ثروت اسلامی بسیار گسترش پیدا کرده‌اند (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ ب).

گرچه صندوق‌های پوشش ریسک، به عنوان موضوعی مناقشه‌برانگیز در مالی اسلامی دیده شده است، ولی تقاضا برای صندوق‌های پوشش ریسک توسط سرمایه‌گذاران افزایش یافته است و از این رو ارائه‌دهندگان خدمات مالی تلاش کرده‌اند تا راهکارهای مطابق با شریعت عرضه کنند (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ الف). علت افزایش تقاضا برای صندوق‌های پوشش ریسک، این است که سرمایه‌گذاران و مؤسسات اسلامی می‌توانند از طریق این صندوق‌ها به پرتفوی‌های خود تنوع ببخشند و راهبردهای سرمایه‌گذاری مختلفی را در پیش بگیرند که مطابق با اصول و قواعد اسلامی هستند (لیندسی، ۲۰۰۸، به نقل از ریاضت و جان، ۲۰۱۰ الف). در اثر این تقاضا به ویژه در بین سرمایه‌گذاران خاورمیانه، بسیاری از مؤسسات مالی، انواعی از صندوق‌های پوشش ریسک را در سال‌های اخیر ارائه داده‌اند. با وجود این، هنوز هم تردیدهای

-
1. Hedge fund
 2. Private equity
 3. Venture capital
 4. Islamic Exchange-Traded Fund (ETF)



زیادی از طرف متخصصان مالی اسلامی درباره این صندوق‌ها مطرح می‌گردد و آینده صندوق‌های پوشش ریسک وابسته به این است که چگونه بتوانند خود را از بدنامی حضور در منطقه خاکستری رنگ مالی اسلامی برهانند (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ الف).

سرمایه‌گذاری سهام خصوصی اسلامی به دلیل ماهیت مشارکتی آن در تسهیم ریسک و بازده (به عنوان یک اصل مهم در مالی اسلامی)، روند رو به رشدی داشته است. دلیل دیگر برای رشد سرمایه‌گذاری سرمایه خصوصی اسلامی این است که محبوبیت بانکداری متعارف پس از بحران مالی کاهش یافته است. به دلیل محدودیت‌هایی که در اسلام درباره بدهی وجود دارد، از جمله الزام شرعی برای انجام فعالیت‌های مولد در نتیجه معاملات و وابسته کردن دارایی‌ها و جریان‌های مالی به یکدیگر، سرمایه‌گذاری سهام خصوصی اسلامی از انتقادات شدیدی که به سرمایه‌گذاری سهام خصوصی متعارف وارد شده است، مصون مانده است.

با وجود رشد سرمایه‌گذاری خصوصی اسلامی و مصونیت نسبی آن در برابر بحران مالی و تبعات آن، این صنعت هنوز هم آن‌گونه که باید، رشد نکرده است. ولی با افزایش کارشناسان و خبرگان در زمینه مالی اسلامی و نیز افزایش استانداردها و تدوین قوانین مناسب در سطح بین‌المللی ضمن در نظر گرفتن مسائل خاص هر منطقه، موجب تقویت روند روبه‌رشد این صنعت خواهد شد (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ الف)

مدیر کمیسیون اوراق بهادار مالزی آقای دکتر راملا محمود در کنفرانس سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز اسلامی در سال ۲۰۰۸، درباره اهمیت این صنعت می‌گوید: «سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز اسلامی تأثیر شگرفی بر اقتصاد دارد. این صنعت یک پل ارتباطی ایجاد می‌کند که خلأ ناشی از کمبود تأمین مالی از طریق بانک‌ها یا بازار بدهی و سهام را پوشش می‌دهد. ماهیت منحصر به فرد مدل



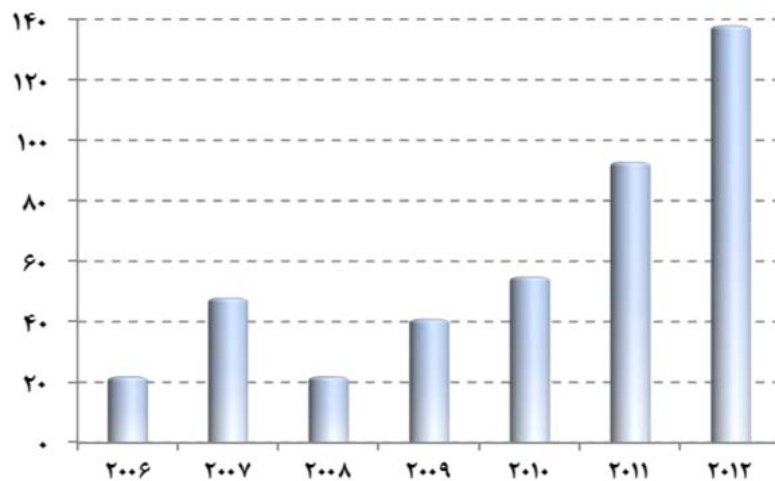
سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز که مبتنی بر مدیریت فعال است، موجب بهبود حاکمیت شرکتی و همسو شدن منافع ذی‌نفعان با مدیران می‌گردد. بسیاری از شرکت‌ها و صنایع جدید به وسیله سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر گسترش یافته‌اند. برای مثال شرکت‌های اپل، فدرال اکسپرس، گوگل و آی‌بی‌ام که تأثیر زیادی بر زندگی امروزی در جهان گذاشته‌اند، از طریق این صنعت پدید آمده‌اند.^۱ می‌توان از این سازوکار در مالی اسلامی نیز استفاده کرد؛ نه تنها به عنوان روشی برای متنوع‌سازی پرتفوی و کسب بازده، بلکه برای اعتبار بخشیدن به کسب و کارها و نشان‌های تجاری که منطبق با شریعت باشند. این مسئله به صورت جدی در مالی اسلامی مطرح است (مک‌نامارا، ۲۰۰۹، به نقل از ریاضت و جان، ۲۰۱۰ الف).

سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در مستغلات، به دلیل نقش چند جانبه و مزیت‌های چشم‌گیری که نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم در مستغلات دارد، حوزه رشد دیگری در مدیریت ثروت اسلامی به شمار می‌رود. در حالی که سرمایه‌گذاری مستقیم در اموال، نیازمند سرمایه و زمان زیادی است و مشکلات نقدینگی زیادی به همراه دارد، سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در مستغلات، نه تنها آسان‌تر است، بلکه گزینه‌های زیادی نیز در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد. سرمایه‌گذار می‌تواند یا در یک صندوق مستغلات سرمایه‌گذاری کند یا اینکه پول خود را به همراه منابع سرمایه‌گذاران دیگر در یک صندوق امین سرمایه‌گذاری مستغلات^۱ قرار دهد. هنگام انتخاب صندوق‌های مستغلات مطابق با شریعت، گزینه‌های زیادی پیش روی سرمایه‌گذاران وجود دارد. مزیت اصلی مشارکت در صندوق‌های مستغلات پدید آوردن فرصت‌هایی است که سرمایه‌گذاران به صورت انفرادی هرگز نمی‌توانند به آنها دست یابند. از آنجا که املاک و مستغلات به عنوان یک طبقه دارایی مهم برای سرمایه‌گذاران اسلامی باقی می‌ماند، به نظر می‌رسد گرایش به راهبردهای غیرمستقیم سرمایه‌گذاری در مستغلات نیز تداوم یابد (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ الف).

1. Real Estate Investment Trust



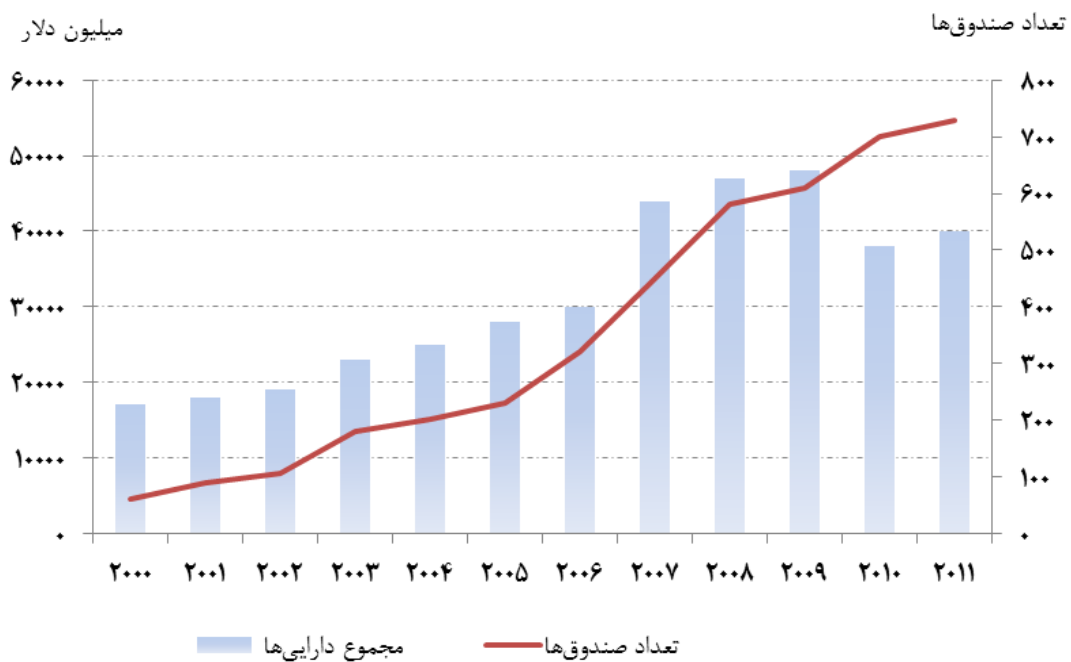
یکی از نوآوری‌های دهه اخیر در عرصه مالی اسلامی، انتشار اوراق بهادار اسلامی به نام صکوک است. این اوراق که به طور عمده برای تأمین مالی دولت، سازمان‌های وابسته به دولت و بنگاه‌های اقتصادی منتشر می‌شوند بر اساس عقود اسلامی (اجاره، مضاربه، مشارکت، مرابحه، استصناع و غیره) طراحی شده‌اند و جایگزین مناسبی به جای اوراق بهادار ربوی به ویژه اوراق قرضه شمرده می‌شوند (تسخیری، ۱۳۸۶). صکوک بخش قابل توجهی از بازارهای سرمایه اسلامی را تشکیل می‌دهد و پس از سهام در رتبه دوم قرار دارد. در طول دهه گذشته، ارزش بازار صکوک موجود به ۱۷۸/۲ میلیارد دلار^۲ رسیده است که حدود ۱۴/۳ درصد از کل دارایی‌های مالی اسلامی جهان در پایان سال ۲۰۱۱ را به خود اختصاص می‌دهد. حمایت دولت‌ها، رشد اقتصادی مناسب و توسعه بازارهای نوظهور، سرمایه‌گذاری مستمر در زیرساخت‌ها و شرایط تأمین مالی پروژه‌محور در آسیا و خاورمیانه، به توسعه صکوک کمک کرده است (شکل ۲) (کی‌اف‌اچ، ۲۰۱۲).



شکل ۲- روند انتشار صکوک- ارقام به میلیارد دلار (منبع: بلومبرگ)



صنعت صندوق‌های اسلامی در طول دهه گذشته به مدد تعداد زیادی از مؤسساتی که محصولات مالی را به صورت گزینه‌های سرمایه‌گذاری مطابق با شریعت، ساختار بندی می‌کنند، رشد سریعی داشته است. با بروز بحران مالی در سال ۲۰۰۷، این صنعت نیز همراه با بسیاری از مناطق دیگر مدیریت دارایی در جهان با مشکل روبه‌رو شد و رو به افول گذاشت. با این حال، مجموع دارایی‌های صندوق‌های اسلامی در سال ۲۰۱۱، با رشد ۷/۴ درصدی به رقم ۴۰/۹ میلیارد دلار رسید. همچنین تعداد صندوق‌ها در پایان سال ۲۰۱۱ به ۷۱۵ عدد رسید که نسبت به تعداد ۶۸۸ صندوق در سال ۲۰۱۰، ۳/۹۲ درصد رشد داشت (شکل ۳) (کی‌اف‌اچ، ۲۰۱۲).



شکل ۳- روند توسعه صندوق‌های اسلامی (منبع: بلومبرگ)



صندوق‌های بورسی اسلامی بخش مهم دیگری در توسعه مدیریت ثروت اسلامی محسوب می‌شوند (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ ب). جان سندویک یکی از فعالان صنعت مدیریت ثروت اسلامی می‌گوید: «امروزه تقاضای گسترده و برآورده نشده‌ای برای مدیریت ثروت اسلامی وجود دارد... آنچه به طور ویژه‌ای نیاز داریم، محصولات است؛ محصولاتی که مطابق با اصول شریعت باشند» (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ ب). به رغم نوپا بودن بازار صندوق‌های بورسی اسلامی، رشد این بازار روند بسیار سریعی دارد. نمونه‌ای خاص از یک صندوق بورسی اسلامی، صندوق طلا است. طلا به عنوان یک گزینه سرمایه‌گذاری بلندمدت معمولاً از رشد قیمت برخوردار بوده و به عنوان یک دارایی فیزیکی (که برای فعالیت‌های منطبق با شریعت ایده‌آل است) و نقدشونده، یک ابزار منعطف برای مدیریت ثروت است. طلا علاوه بر انعطاف‌پذیری، از ثبات قیمتی بالایی نیز برخوردار است. از این رو می‌تواند دارایی مناسبی برای نگهداری و مدیریت ثروت توسط فرد و خانواده‌اش باشد (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ ب).

۹- مدیریت ثروت اسلامی و بانکداری اختصاصی

تا به حال، مدیریت ثروت اسلامی را از نگاه مشتریان یا دریافت‌کنندگان خدمات آن نگریسته‌ایم. اکنون قصد داریم بحث خود را از دیدگاه بانک‌های اختصاصی و به طور عام‌تر از دیدگاه ارائه‌دهندگان خدمات بررسی می‌کنیم. قدمت بانکداری اختصاصی به دو قرن پیش و به کشور سوئیس مهد بانکداری نوین باز می‌گردد. ولی رشد و توسعه آن مربوط به سه دهه گذشته است. تقریباً همه بانک‌های تراز اول دنیا مانند سیتی‌بانک، یوبی‌اس، اچ‌اس‌بی‌سی و بارکلی به ارایه این خدمات توجه ویژه نشان داده‌اند. افراد ثروتمند به دلیل مشغله کاری و حرفه‌ای خود نیاز دارند مشاوران و مؤسسات مالی متخصص، ثروت آنها را مدیریت



کنند. بانک‌ها هم با شناسایی این فرصت‌ها تلاش کرده‌اند تا با ارایه راه‌حل‌های جامع و سودآور، متناسب با ریسک‌پذیری مشتریان خود ثروت آنها را افزایش داده و مدیریت کنند. خدمات بانکداری اختصاصی به صورت منحصر به فرد و منعطف به مشتریان ارایه می‌شود و مجموعه‌ای از خدمات مالی و غیرمالی را دربرمی‌گیرد. سرمایه‌گذاری در انواع دارایی‌ها، خدمات بیمه و لیزینگ، خدمات صرافی، مشاوره مالی و سرمایه‌گذاری، انجام معاملات املاک و مستغلات مشتریان، مشاوره حقوقی، برنامه‌ریزی تحصیلی فرزندان و غیره، نمونه‌هایی از خدمات قابل ارائه به مشتریان در بانکداری اختصاصی است. در واقع بانکداری اختصاصی، هنر و علم مدیریت ثروت است.

بانک‌های اختصاصی که وظایف خود نسبت به مشتریان را به خوبی انجام می‌دهند، می‌توانند نیازهای مدیریت ثروت آنها را شناخته و رفع نمایند. بانک اختصاصی اسلامی ایده‌آل نیز به خوبی به نیازهای مشتریان و تعهدات خود واقف است و بنابراین خدمات مدیریت ثروت را متناسب با هر فرد یا خانواده ارائه خواهد کرد. همان‌طور که ذکر شد، برنامه‌ریزی ثروت یک خانواده برای سرمایه‌گذار مسلمان اهمیت زیادی دارد و یک بانک اختصاصی اسلامی خوب به این موضوع واقف خواهد بود. بنابراین بانک، هنگام ارائه خدمات مدیریت ثروت برای یک مشتری، فرزندان (و سایر افراد تحت تکفل)، دوران بازنشستگی و برنامه‌های آتی وی را نیز در نظر می‌گیرد (بیرگن، ۲۰۰۹).

انباشت ثروت توسط مسلمانان در سراسر جهان، و گرایش مسلمانان به خارج کردن دارایی‌ها از آمریکا و برخی کشورهای دیگر باعث افزایش تقاضا برای بانکداری اختصاصی اسلامی گشته است. هم‌اکنون در جهان، بانک‌های اسلامی زیادی وجود دارند (شامل بانک‌های اسلامی و بانک‌های متعارف که دارای بخش ارائه خدمات بانکداری اسلامی هستند). برای اینکه بانک‌های اسلامی نیز بتوانند در عرصه رقابت با بانک‌های متعارف به ویژه در عرصه بانکداری اختصاصی رقابت کنند، باید ضمن ارائه محصولات و خدمات



متنوع، بر افزایش کیفیت خدمات و محصولات نیز تمرکز کنند (ماد، ۲۰۰۶). نور کوئک^۱، مدیر عامل شرکت بین المللی ان کیو^۲ می گوید: «تقاضا برای محصولات سفارشی مطابق با شریعت به شدت در حال افزایش است. برای مثال مشتریان بسیار ثروتمند خواهان خدماتی مانند برنامه ریزی ارث، تأمین مالی، مدیریت پرتفوی، معامله سهام و محصولات ساخت یافته هستند. ولی تعداد کمی از بانکها، نیازهای افراد بسیار ثروتمند مسلمان را مد نظر قرار می دهند و یا یک دیدگاه کل نگر درباره خدمات مدیریت ثروت ارائه می دهند» (کلسنیکوف، ۲۰۱۲).

ارائه کنندگان خدمات مدیریت ثروت اسلامی باید دیدگاه گسترده ای داشته باشند و اهمیت خانواده و بشردوستی را نیز در نظر بگیرند. این دو موضوع، باید در راهبرد مدیریت ثروت هر یک از مشتریان نقش مهمی ایفا کنند و بنابراین در راهبردهای ارائه کنندگان خدمات مدیریت ثروت نیز باید در اولویت قرار بگیرند. همچنین گزینه های درون مرزی و برون مرزی باید به تساوی توسعه یافته و تنوع یابند تا با بازار بالقوه مالی اسلامی در زمینه مدیریت ثروت نه تنها در یک کشور بلکه در سراسر نقاط جهان مورد بهره برداری قرار گیرند و حتی افراد غیرمسلمان نیز برای ورود به این صنعت و سرمایه گذاری در آن تشویق شوند. (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ ب).

1. Noor Quek

2. NQ



۱۰- فرصت‌ها و چالش‌های مدیریت ثروت اسلامی

مدیریت ثروت اسلامی، با داشتن بسیاری از ساختارها و ابزارهای مالی، فرصت‌های رشد زیادی را برای صنعت مالی اسلامی فراهم می‌کند (ریاضت و جان، ۲۰۱۰ ب). کشورهای اسلامی از جمله مالزی، عربستان، امارات، قطر و کویت و حتی کشورهایمانند انگلستان با شناسایی فرصت‌های جدید در حوزه مدیریت ثروت اسلامی، در پی ارتقای جایگاه خود در این صنعت و کسب سهم بیشتر از ثروت جهانی هستند. با بروز بحران مالی در جهان و نیز افزایش دانش و آگاهی در زمینه مالی اسلامی، فرصت خوبی برای مؤسسات مالی اسلامی جهت عرضه محصولات و خدمات در زمینه مدیریت ثروت اسلامی با گستره و عمیق بیشتر پدید آمده است و این مؤسسات، با ارتباطات برون‌مرزی، فرصت‌های رشد جدیدی در مناطق گوناگون جهان پیدا کرده‌اند (کی‌اف‌اچ، ۲۰۱۲).

در حال حاضر صنعت مدیریت ثروت اسلامی از جایگاه شایسته خود در جهان برخوردار نشده است. دلیل این امر، فقدان تقاضا یا گرایش از سوی مشتریان نیست. برعکس، کمبود عرضه موجب ایجاد چالش‌هایی در این زمینه شده است. برای مثال سرمایه‌گذاران حقوقی خریدار صکوک معمولاً مایل‌اند آنها را تا سررسید نگه دارند. از این رو مشتریان جدید به سختی می‌توانند آنها را در بازار پیدا کنند. بیشتر بانک‌ها به برنامه‌ریزی مالی اسلامی همانند آنچه در برنامه‌ریزی مالی متعارف می‌نگرند، توجه ندارند و تنها تقاضای مشتریان ثروتمند برای چنین رویکردی است که بانک‌ها را مجبور به واکنش می‌کند (کلسنیکوف، ۲۰۱۲). برای ارتقای صنعت مدیریت ثروت اسلامی، باید ضمن انجام برنامه‌ریزی مالی مناسب، مقدار و تنوع دارایی‌های مناسب و مطابق با شریعت افزایش یابد و شکاف‌های موجود در بازار با محصولاتی پر شود که نه



تنها قابلیت رقابت دارند، بلکه تابع قوانین شریعت نیز هستند. به علاوه لازم است سازوکار بازاریابی و عرضه خدمات مدیریت ثروت اسلامی نیز ارتقا یابد.

یکی از چالش‌های اساسی صنعت مدیریت ثروت اسلامی، نیاز به استانداردسازی و هماهنگ‌سازی است. برای ایجاد هماهنگی در تدوین قوانین استاندارد برای استفاده همه مؤسسات مالی اسلامی، باید در خصوص قوانین توافق حاصل شود. همچنین باید قرآن به عنوان مبنای اصلی اصول اسلامی برای مقررات‌گذاری ملاک قرار گیرد. مشکل زمانی پدید می‌آید که اصول و رویه‌های مربوط به موارد خاص به راحتی یافت نمی‌شوند و لازم است از تفاسیر قرآن یا روایات استخراج شوند. بنابراین، بزرگ‌ترین چالش در مقررات‌گذاری مالی اسلامی، استانداردسازی و هماهنگی این تفاسیر و روایات در یک چارچوب قانونی منسجم و کارا برای فعالیت مؤسسات مالی اسلامی است. تاکنون اقدامات زیادی برای استانداردسازی صنعت مالی اسلامی در بخش‌های مختلف، صورت گرفته است. تشکیل سازمان حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^۱ و هیئت خدمات مالی اسلامی^۲، نمونه‌ای از این اقدامات است (نظیر، ۲۰۱۲).

۱۱- چشم‌انداز مدیریت ثروت اسلامی

هرچند سرعت افزایش ثروت پس از بحران مالی در مقایسه با سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، کاهش یافته است، ولی به دلیل رشد زیاد ثروت در بازارهای نوظهور آسیا، خاورمیانه و امریکای لاتین، همچنان از چشم‌انداز

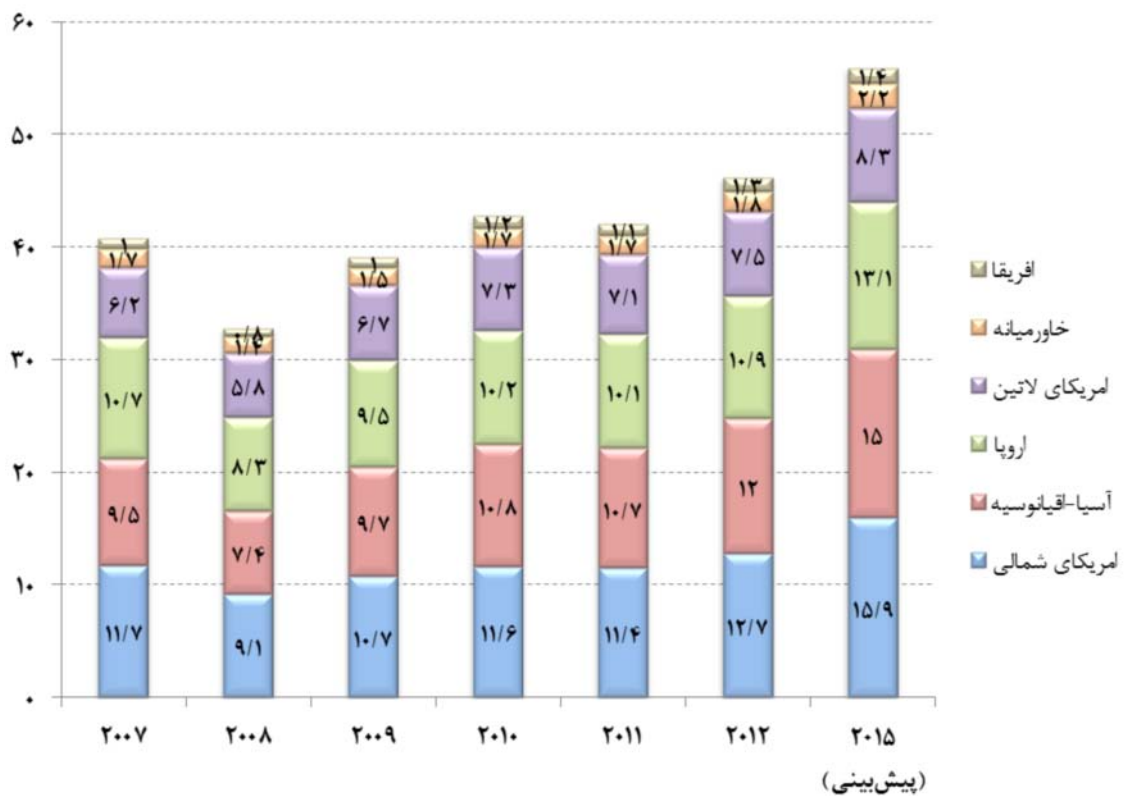
1. Auditing Organisation for Islamic Financial Institutions

2. Islamic Financial Services Board



مثبتی برخوردار است. پیش‌بینی شده است که دارایی افراد ثروتمند جهان با رشد متوسط سالانه ۶/۵ تا سال ۲۰۱۵ به ۵۵/۸ تریلیون دلار برسد (شکل ۳).

تریلیون دلار



شکل ۳- روند رشد دارایی افراد ثروتمند در جهان به تفکیک مناطق مختلف (منبع: کیچمینی)

در بسیاری از کشورهای جهان، افراد به دلیل عدم اطمینان نسبت به سیستم متعارف در اثر بروز بحران مالی تا حدودی به سمت خدمات مالی اسلامی گرایش پیدا کرده‌اند. با بهبود شرایط بازار انتظار می‌رود سرمایه‌گذاران به طور فزاینده‌ای به دنبال فرصت‌های سرمایه‌گذاری مطابق با شریعت باشند که از شفافیت و ساختار اخلاقی بهتری برخوردارند. از این رو صنعت مالی اسلامی و به تبع آن، مدیریت ثروت



اسلامی پس از بحران مالی، بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفته است. بسیاری از مراکز پیشرو و مهم مالی اسلامی و حتی مؤسسات مالی متعارف، به دنبال ارائه محصولات و خدمات مطابق با شریعت هستند و به نظر می‌رسد که مدیریت ثروت اسلامی در آینده نزدیک به رشد چشم‌گیری دست پیدا کند. برخی عوامل که موجب رشد صنعت مدیریت ثروت اسلامی می‌شوند، عبارتند از:

- افزایش تقاضا برای محصولات و دارایی‌های مطابق با شریعت.
- اقدامات دولت‌ها و مراجع قانونی در سراسر جهان برای توسعه صنعت مالی اسلامی در کشورهای گوناگون.
- شرکت‌های مرتبط با دولت در خاورمیانه و بازارهای نوظهور آسیا (بخش مالی، املاک و مستغلات، نفت و گاز و حمل و نقل) در پی صندوق‌هایی برای حمایت از زیرساخت‌های عظیم و پروژه‌های ساخت و ساز در مناطق خود هستند.
- افزایش جمعیت؛ پیش‌بینی شده است تا سال ۲۰۲۰، جمعیت کل مسلمانان از ۱/۵ میلیارد نفر کنونی به ۲/۵ میلیارد نفر افزایش یابد. در حال حاضر، منطقه آسیا و اقیانوسیه دارای بیشترین جمعیت مسلمان است که بالغ بر یک میلیارد یعنی ۶۲/۱ درصد از کل جمعیت مسلمانان جهان می‌باشد.

در ارتباط با ترجیحات سرمایه‌گذاری در چند سال آینده، انتظار می‌رود که همزمان با تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران و به‌ویژه بهبود وضعیت اقتصادی در جهان، افراد ثروتمند به دارایی‌های پرریسکی همچون سهام، املاک و مستغلات روی آورند. از جمله خطراتی که چشم‌انداز مثبت اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند، خراب شدن وضعیت اقتصادی کشورها و اثرات سرایتی ناشی از مشکلات مالی در اروپا است که ممکن است روند رشد فعلی را کند یا متوقف کند (کی‌اف‌اچ، ۲۰۱۲). در مجموع به نظر می‌رسد که آینده صنعت



مدیریت ثروت اسلامی امیدوارکننده باشد و روز به روز بر جمعیت متقاضیان این خدمات و نیز عرضه‌کنندگان آن افزوده شود و محصولات و خدمات گسترده‌تری ارائه گردد.

۱۲- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مدیریت ثروت از دیدگاه اسلامی، از اصول و موازین شرعی تبعیت می‌کند که تا حد زیادی، با دیدگاه متعارف تفاوت دارد. در اسلام انسان مالک اصلی ثروت نیست، بلکه ثروت به عنوان امانت نزد او سپرده شده و او می‌تواند در چارچوب دستورات الهی و احکام شرعی از ثروت استفاده و آن را مدیریت کند. ثروت از راه‌های مختلفی حاصل می‌شود، مانند قرارداد خرید، هدیه، ارث و غیره. در همه این موارد، اسلام راه مشخصی برای مدیریت ثروت دارد. انسان به عنوان جانشین خدا در این جهان، باید به گونه‌ای به دنبال ثروت و استفاده از آن باشد، که رضایت خداوند را در دنیا و آخرت کسب کند.

خدمات و محصولات مربوط به مدیریت ثروت اسلامی از طریق بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی و حتی متعارف ارائه می‌شود. این صنعت به دلیل پتانسیل بالقوه در ارائه خدمات جدید و متنوع و نیز تقاضای زیاد مسلمانان برای دریافت خدمات مطابق با شریعت، پیوسته در حال رشد و شکوفایی است. تا یک دهه پیش، محصولات مالی اسلامی اندکی می‌توانستند در یک پرتفوی دارایی مورد استفاده قرار گیرند و سرمایه‌گذاران مسلمان حق انتخاب کمی برای نگهداری دارایی‌هایی به جز دارایی‌های متعارف در پرتفوی خود داشتند، ولی در حال حاضر حتی برای سرمایه‌گذاران معمولی نیز این امکان فراهم است که به دامنه گسترده‌ای از محصولات و خدمات مالی اسلامی دسترسی داشته باشند. از این رو نگهداری دارایی‌های متعارف که با احکام شرعی مغایرت دارند، هیچ توجیهی ندارد. افزایش گستره صنعت مالی اسلامی از طریق



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ارائه محصولات جدید و نیز افزایش عمق بازار از طریق حجم زیاد معاملات در اوراق بهادار اسلامی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، فضای توسعه مناسبی را برای این صنعت فراهم کرده است و چشم‌انداز روشنی را پیش روی آن قرار داده است.



منابع و مآخذ

۱. اسماعیلی، اسماعیل. *اکل مال به باطل در بینش شیخ انصاری*، مجله فقه، شماره اول، پاییز ۱۳۷۳.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). *الخصال*، مرکز المنشورات الاسلامیه، قم، ۱۴۰۳ ق.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل. *جامع الصحیح البخاری*، بمبئی، ۱۲۷۰ ق.
۴. پاینده، ابوالقاسم؛ مترجم: محسن غرویان و همکاران. *متن و ترجمه فارسی نهج الفصاحه*، انصارالمهدی، قم، ۱۳۸۸.
۵. قرآن کریم.
۶. مجلسی، محمدباقر. *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۷. مصطفوی، حسن. *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۳۰ ق.
۸. موسویان، سید عباس و بهاری قراملکی، حسن. *مبانی فقهی بازار پول و سرمایه*، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ۱۳۹۱.
9. Bank Sarasin (2011). *Islamic Wealth Management Report 2011*. Switzerland.
10. Bank Sarasin (2012). *Islamic Wealth Management Report 2012*. Switzerland.
11. Billah, M. M. (2006). *Islamic Wealth Management & World View*.
12. Birgen, G. (2009). *Islamic Finance and Islamic Funds*: HSBC Securities Services.
13. Jaffer, S. (2004). *Islamic Asset Management: Forming the Future Shari'a-Compliant Investment Strategies*. London: Euromoney Books.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

14. James Davies, Rodrigo Lluberias and Anthony Shorrocks (2012). *Credit Suisse Global Wealth Databook*, Credit Suisse.
15. KFH Research Limited (2012). *KFH-Research Report about Islamic Wealth Management Industry*: Kuwait Finance House.
16. Kolesnikov, S. (2012). *Islamic Financial Services on Rise, but Private Banks Lag*: NYTimes.com.
17. Lindsay, M. (2008). *Access to Islamic Hedge Funds*: Hedge Funds Review.
18. Maude, D. (2006). *Global Private Banking and Wealth Management*: John Wiley & Sons.
19. McNamara, P. (2009). *Islamic Private Equity: an Untapped Opportunity*: AMEinfo.com.
20. Nazeer, T (2012). *The Ultimate Islamic Finance Review*. Business and Media Group: London.
21. Reyazat, F and John, A (2010). *Islamic Wealth Management (Part 2)*. Business and Media Group: London.
22. Reyazat, F and John, A (2010). *Islamic Wealth Management-Capture Growth Opportunities in Islamic Capital Market (Part 1)*. Business and Media Group: London.
23. Sandwick, J. A. (2009). *Islamic Asset Management: Myth or Reality?*: eurekaledge.com.
24. Wilson, R. (2007). *Islamic Asset Management*. SGIA Research Working Papers Series: Durham University.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جهت دریافت اخبار و اطلاعات بیشتر به بخش بانکداری اسلامی در تارنمای پژوهشکده پولی و بانکی به

آدرس ذیل مراجعه نمایید:

<http://www.mbri.ac.ir/islamicbanking>